

IDW

۶۴

سونیک

جوچه تیغی



SEGA®

استنلی . فلین . فونسکا . مک . پینتو . گراهام . فخاریان . م.قلی زاده



”میمیک.

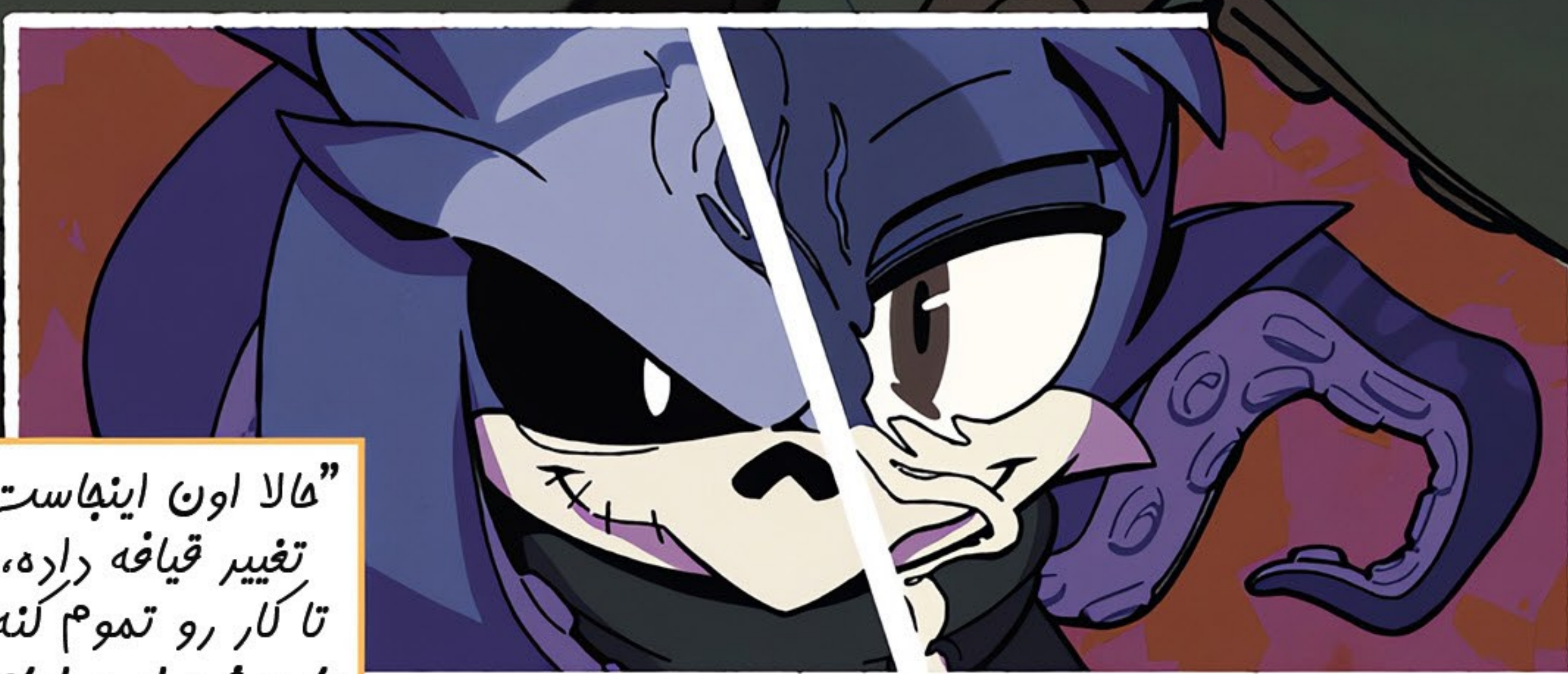
”اون زمانی جنگجوی درنده و باهوشی بود.

”دوست من.



”ولی طمع بیشتر از دوستاش برای اون ارزش داشت...

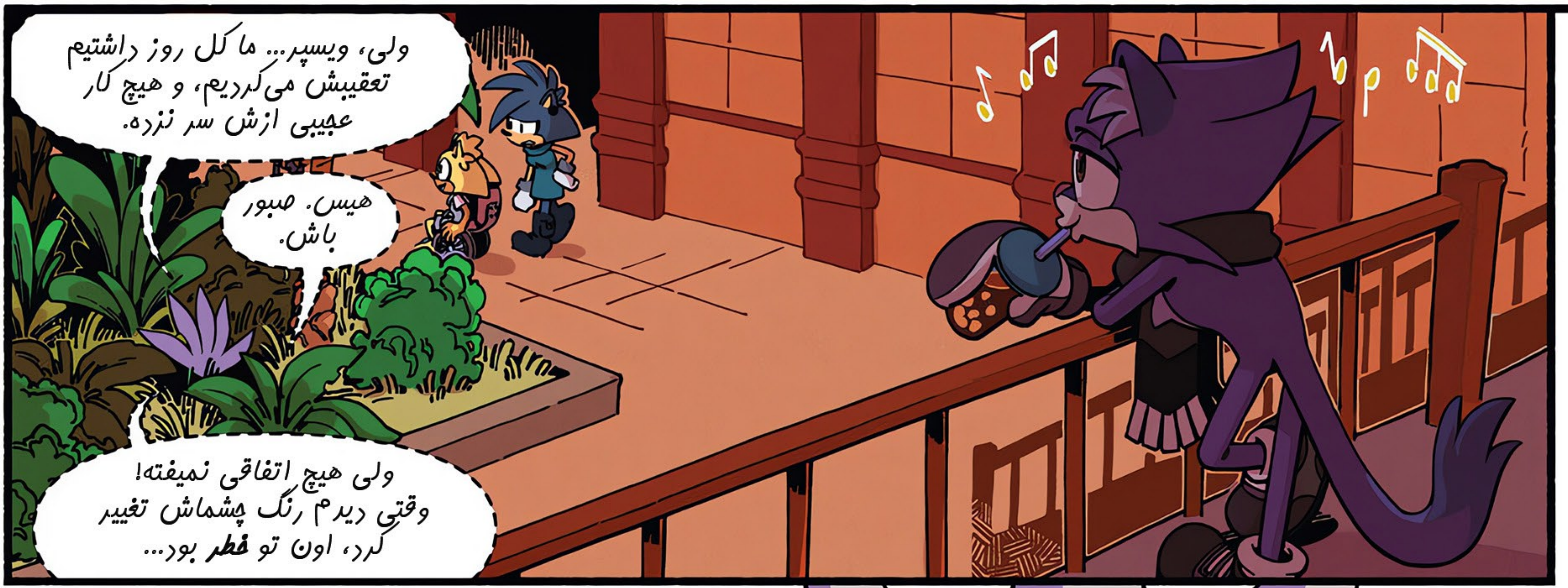
”...و از اون موقع ما در تعقیب همدیگه هستیم.



”هالا اون اینجاست، تغییر قیافه داده، تا کار رو تموم کنه. ما بعش این اجازه رو نمیدیم.



یه اشتباه و کارش تمومه.



ولی، ویسپر... ما کل روز داشتیم
تعقیبش می‌کردیم، و هیچ کار
عیبی ازش سر نزنده.

هیس. صبور
باش.

ولی هیچ اتفاقی نیفته!
وقتی دیدم رنگ چشمش تغییر
کرد، اون تو قطر بود...



آه یکم
بترسونمش...

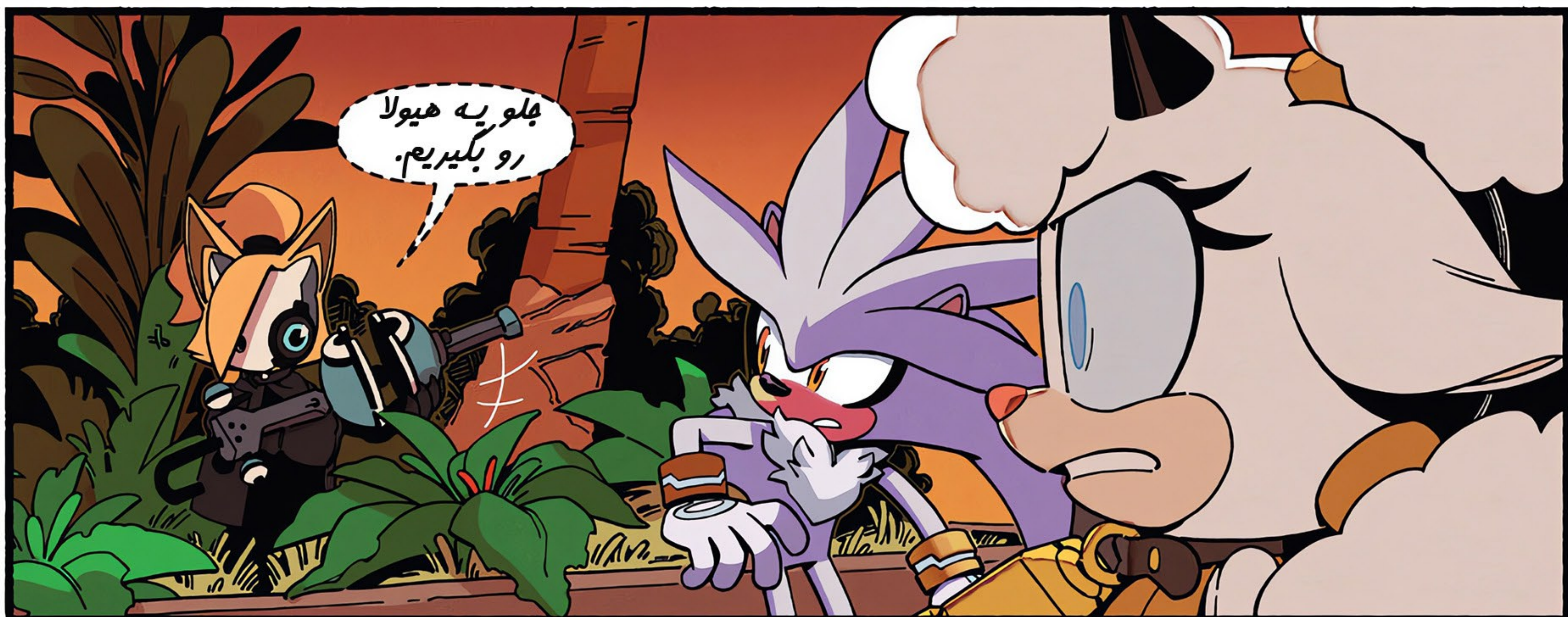
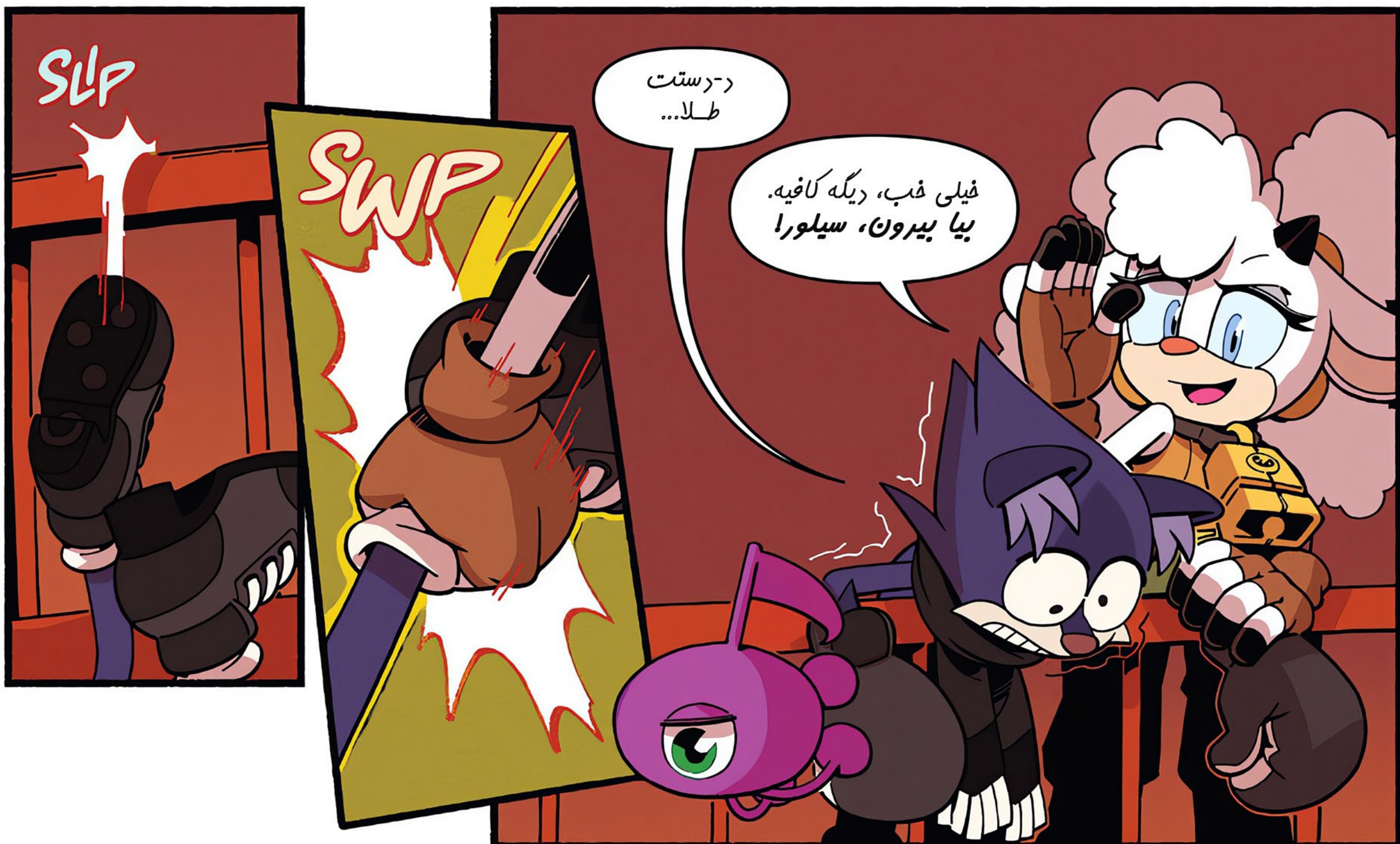
بوش
آسیبی نرسون.
ما قبیل عمل
به مدرک نیاز
داریم.



نگران
نباش،
می‌گیرمش!



آهه!





ویسپر...
منظورت رو
توضیح بده.

نیازی به این کار
نداره. دوئو داره در مورد
کسی که هست دروغ
میگه. اون میمیکه!



اون
تغییر شکل دهنده؟
اتهام بزرگیه. مدرکی
دارید؟

به زودی
فواهم
داشت.



فودم می دونم دارم در مورد پی
حرف می زنم. میمیک راه تشفیص
فودشو داره. آله بتونیم میپورش
لنیم له...

پس تصمیم
به آزار به
هم تیمی گرفتگی؟



من دست رو
دست نمی زارم--



WHAM









وايستا، با اون
يارو چي کار کرد؟
کسي ديد؟

بنظر
مياد فيلي
آسيب
ديده...



آروم باشيد،
يکم فضا بوش
بريد... و يکي پزشک
فبر کنه!



من--من واقعا مطمئن
بودم که ميمیکه.
ولي ميمیک،
اون هيچوقت...



چه
اتفاقي افتاده؟



قرار نبود اينجوري
پيش بره.

اوه،
ويسپر...



می‌دونم که دست از جنگیدن
کشیدن سفت‌ه. ولی می‌دونی،
اشکالی نداره به خودت اجازه
استراحت بدي.

من پيشتم.



کی شروعش کرد؟



بزار مطمئن بشم که من شرایط رو درست فهمیدم. تو و میمیکه؟ و تو... بوش حمله کردی؟

من فکر کردم مقابله می‌کنه، یا تغییر شکل می‌ده، یا...

...اون فقط یه یارویه...



تا وقتی که بتونی یکم با مسئولیت تر رفتار کنی، فکر کنم بهتره که از دایموند کاترها دوری کنی.
رأی من اینه.

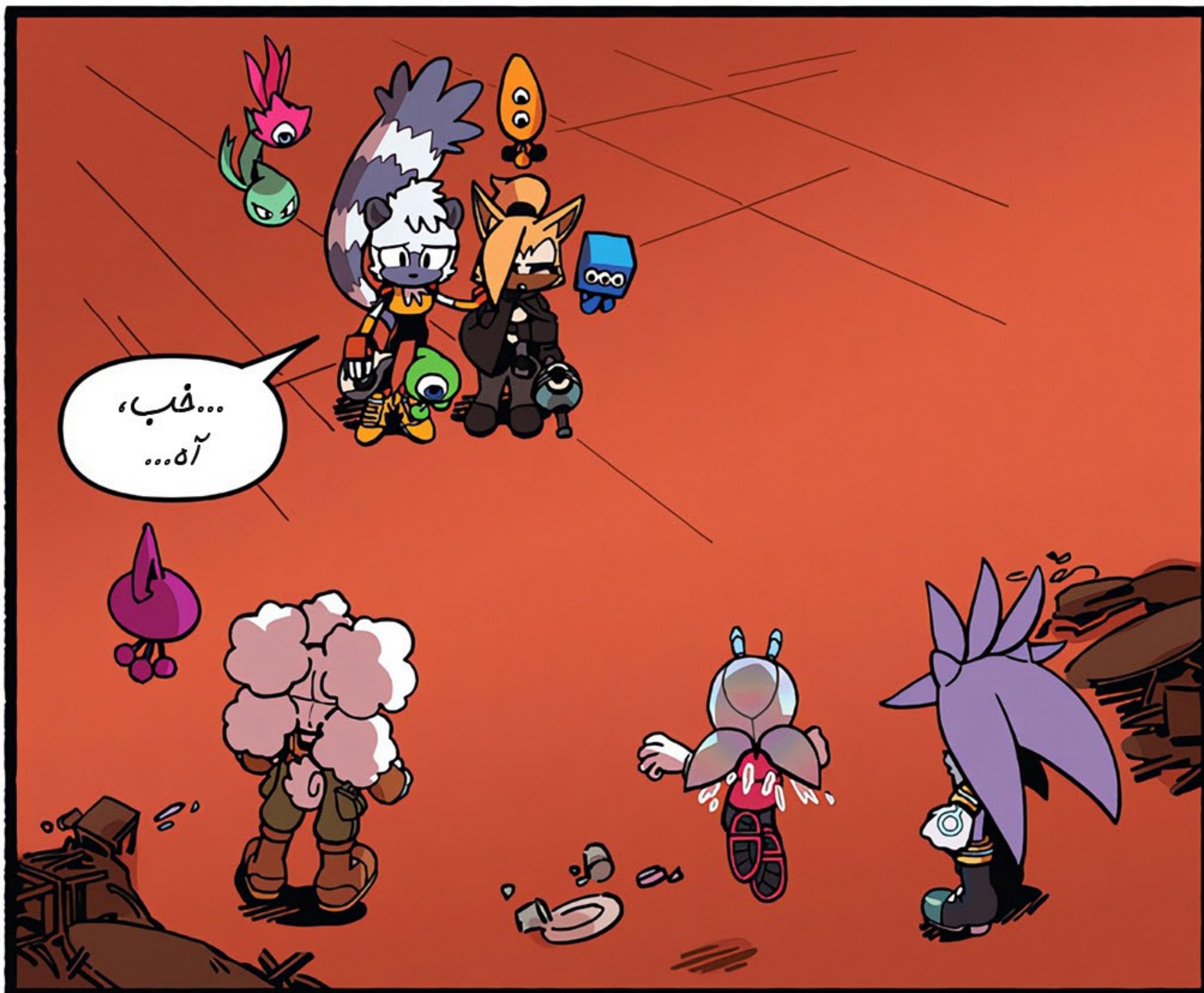


...برو، سیلور. نمی‌فوام دوباره اشتباهی راهنمایی‌ت کنم.



تنگل؟ به عنوان یکی از اعضای تشکیل دهنده تیم، تو هم باید نظرت رو بگی.

من...



بعتر...



اه، سلام؟ دوئو هستی، درسته؟



اوه، فانم بول!

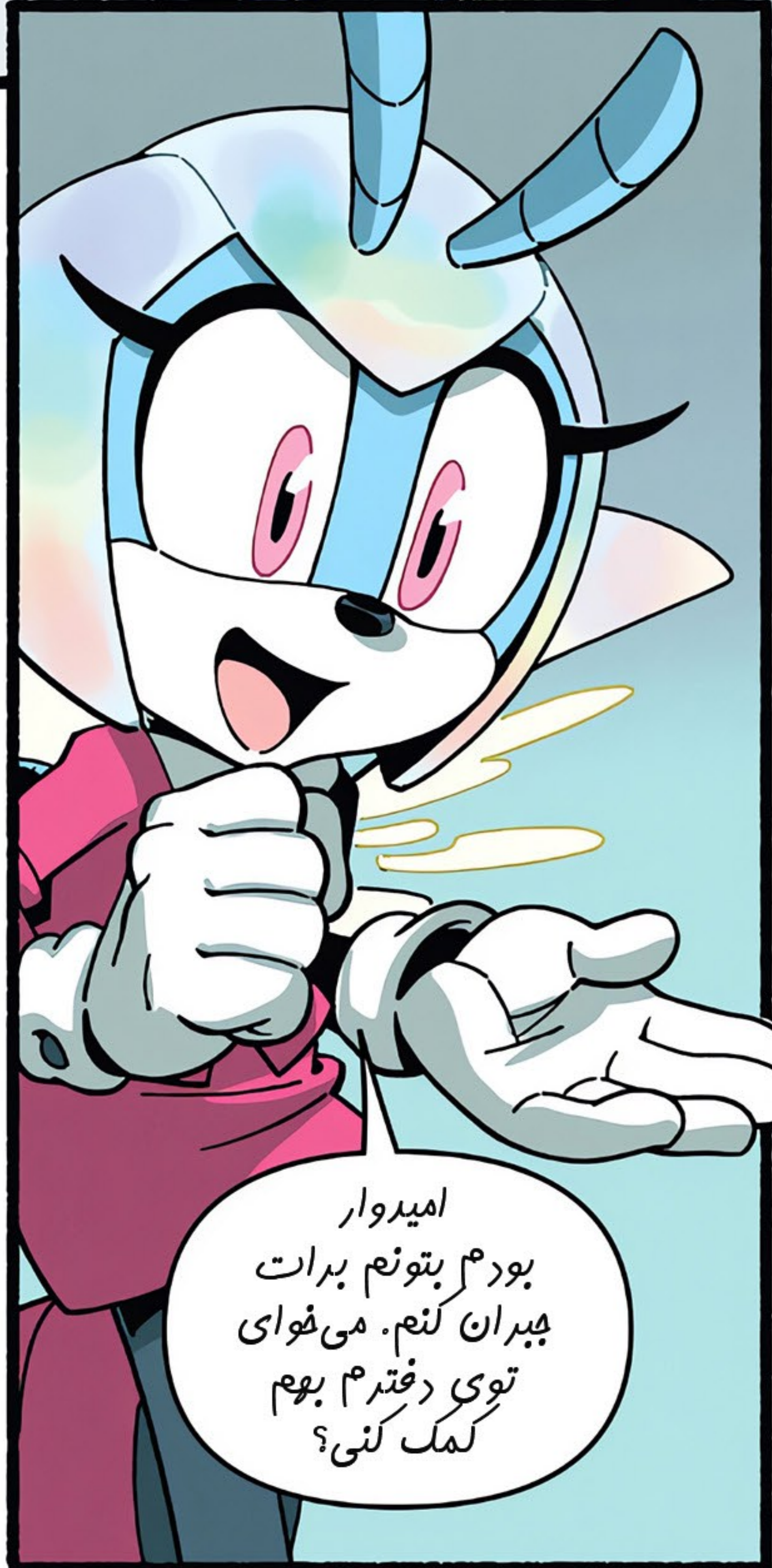
به سریع ترین نفوی که تونستم اومدم. به عنوان مدیر بازگردانی، می خواستم فالهانه ازت معذرت فواهی کنم.

باور کن، این تجربهی معمول واسه تازه سربازها نیستش.

پینز قاصی نیست. تحمل یکم درد رو دارم! و هی، اینبا خدمات اتاق دریافت می کنم.

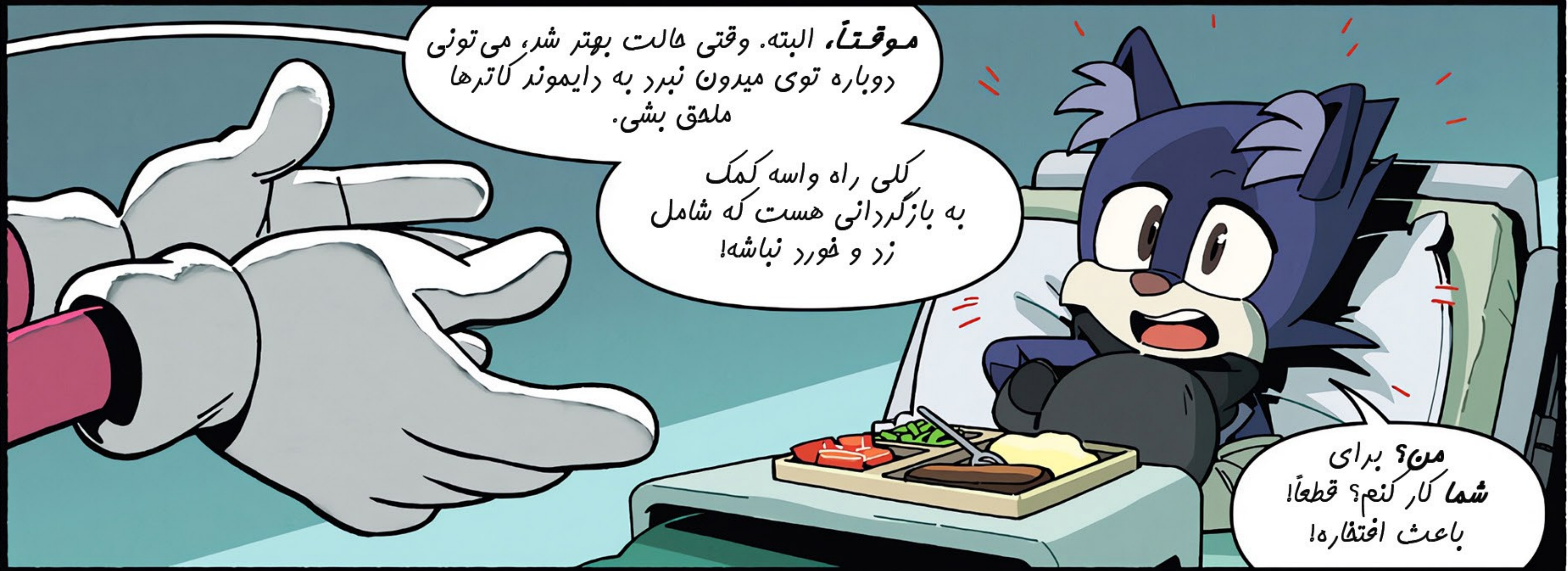


امیدوار بودم بتونم برات پیران کنم. می فوای توی دخترم بوم کمک کنی؟



موقتاً، البته. وقتی حالت بهتر شد، می تونی دوباره توی میدون نبرد به دایموند کاترها مللق بشی.

کلی راه واسه کمک به بازگردانی هست که شامل زد و خورد نباشه!



من؟ برای شما کار کنم؟ قطعاً باعث افتخاره!



این داستان
ادامه دارد...

فرا به های امرالدویل.

هرقدر هم
سریع باشی، ناهار تیلز و
ایمی از دمای اتاق هم
پایین تر اومده تا الان.

موشکی نداره!
پاستا پاپیکو جوزف گرم
باشه یا سرد بازم فوبه. و
مطمئنم تیلز به دستگهی داره
که غذا رو عالی گرم کنه.

هداقل وقتی پیلی
داکی که یه روز مونده
میدارم توش--



هی،
اون سیلوره؟

ناراحت
بنظر میاد.



بوتره
فالش رو
پرسم.





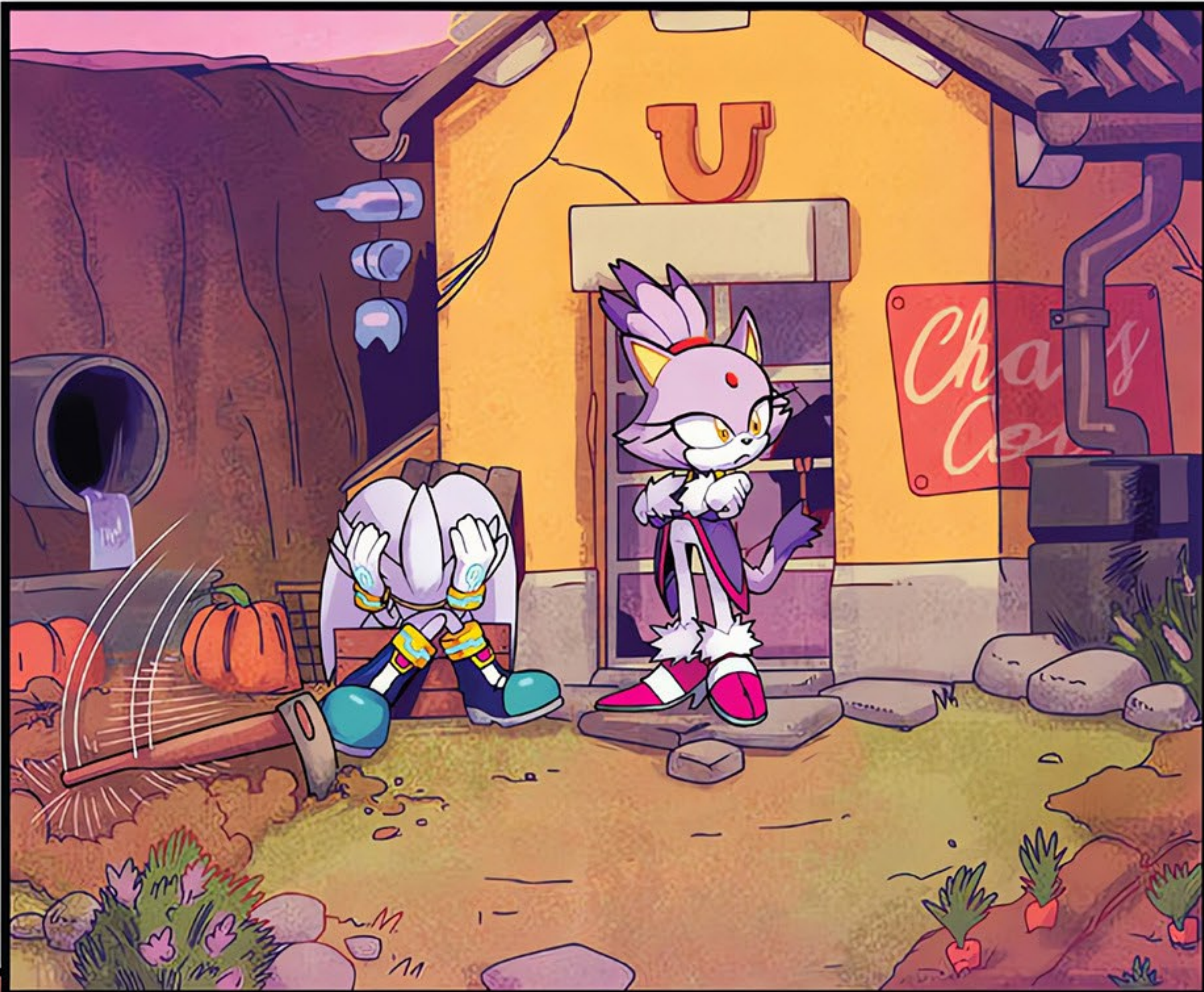
سیلور؟
حالت خوبه؟

نه، بلیز.
من گند زدم. دوباره.



اسپیو بوم نصیحت فوبی کرد، * ولی
فیلی سفته که ارزش پیروی کنم
وقتی نمی توئم کنشکر باشم!

* سالنامه ۲۰۲۲ - مترجم



متوجهم. هنوز مشغول
پیدا کردن هدفت تو این
بازهی زمانی هستی.

اینطور حساب کن:
تو می خواهی که باغ پیروزی
شکوفه بشه، درست؟

البته.



می خواهی که
در نهایت ثمرش
رو برداشت کنی؟

آره...



تو با عمل
چسورانه و کنشگر ایانه
بوش دست پیدا
می کنی؟

یا با تلاش های
متعهد و کوچک
به مرور زمان؟





همونطور
که فودت
گفته بودی...

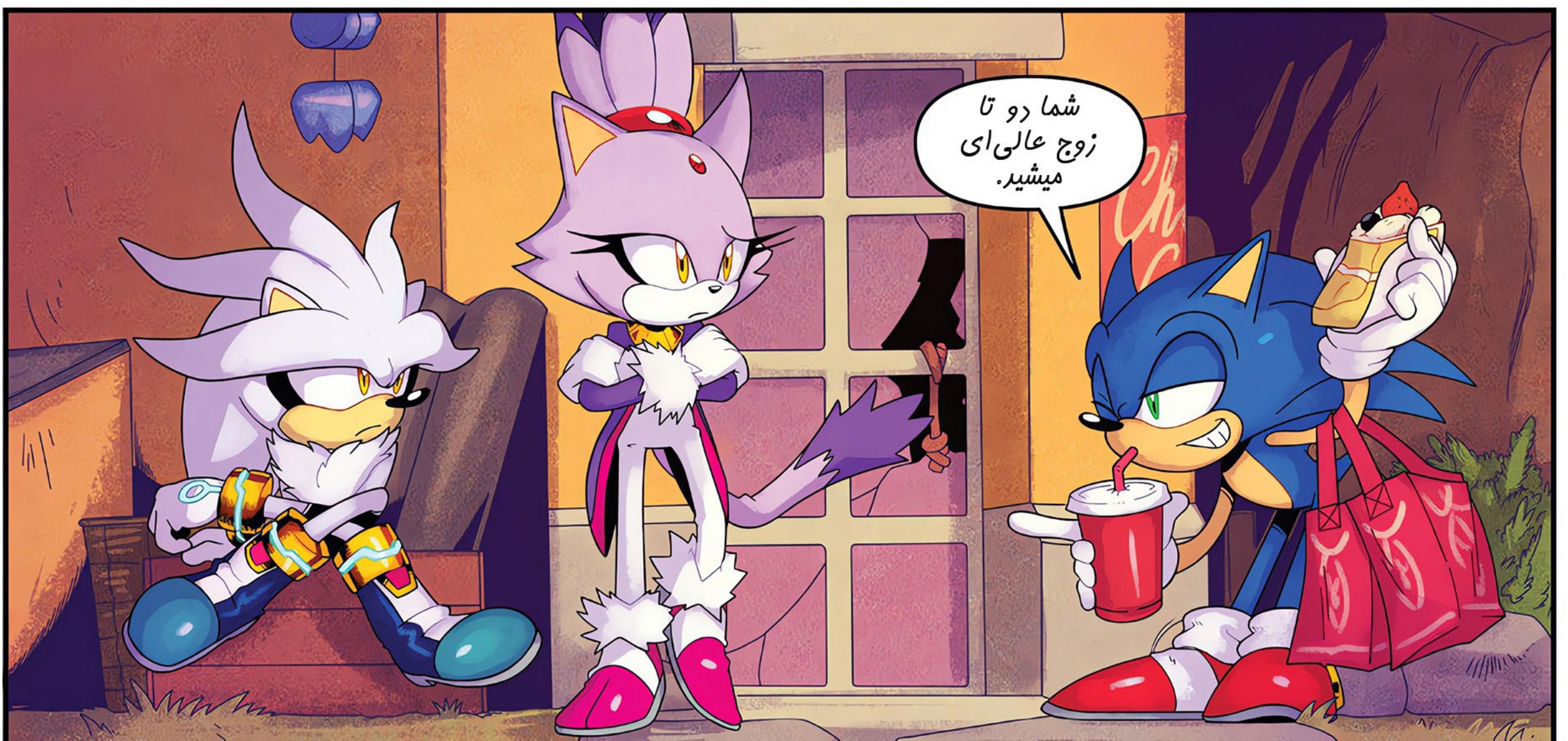
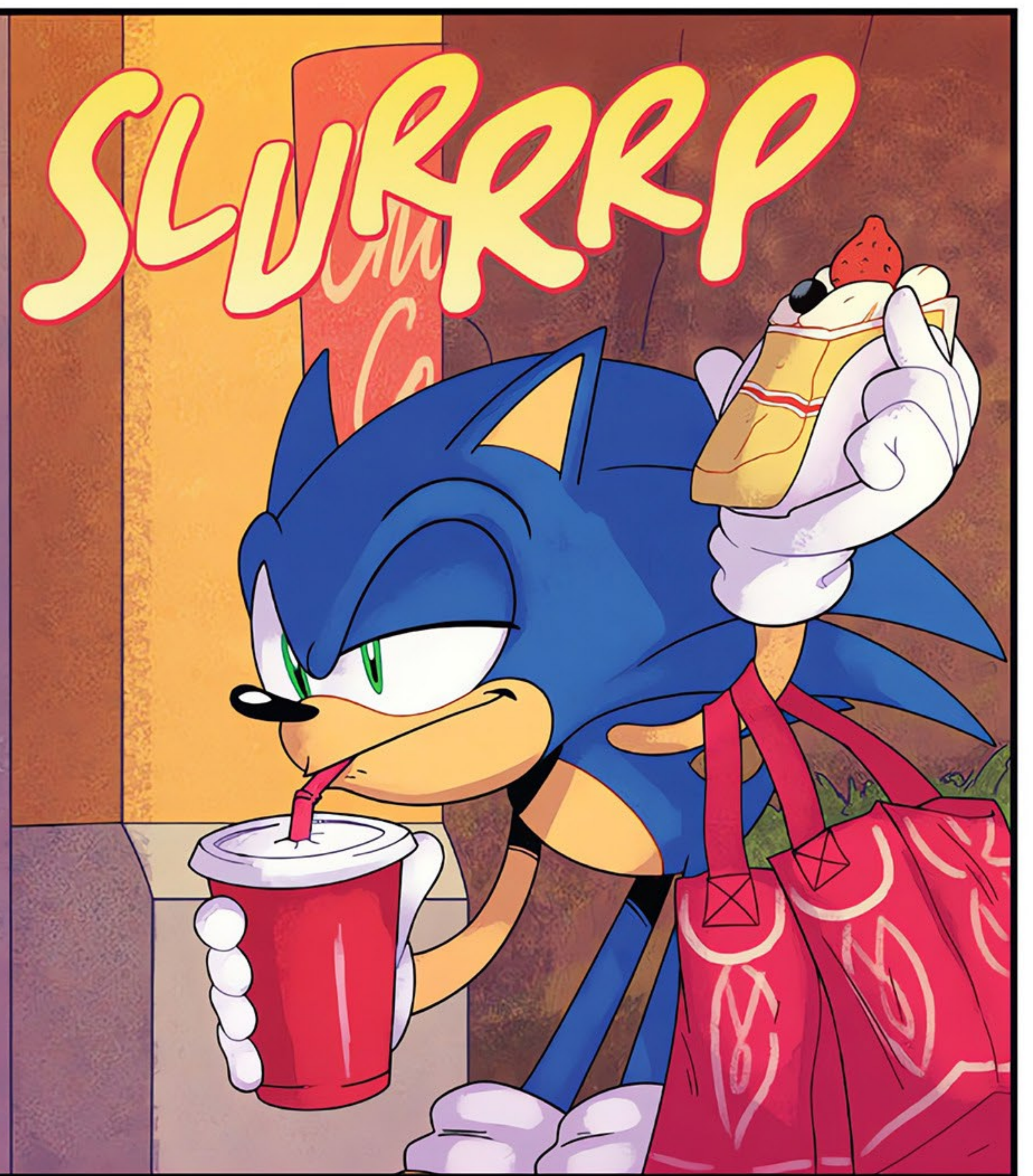
"...گوش کن
و میسر کن."*

* سالنامه ۲۰۱۹ - مترجم.

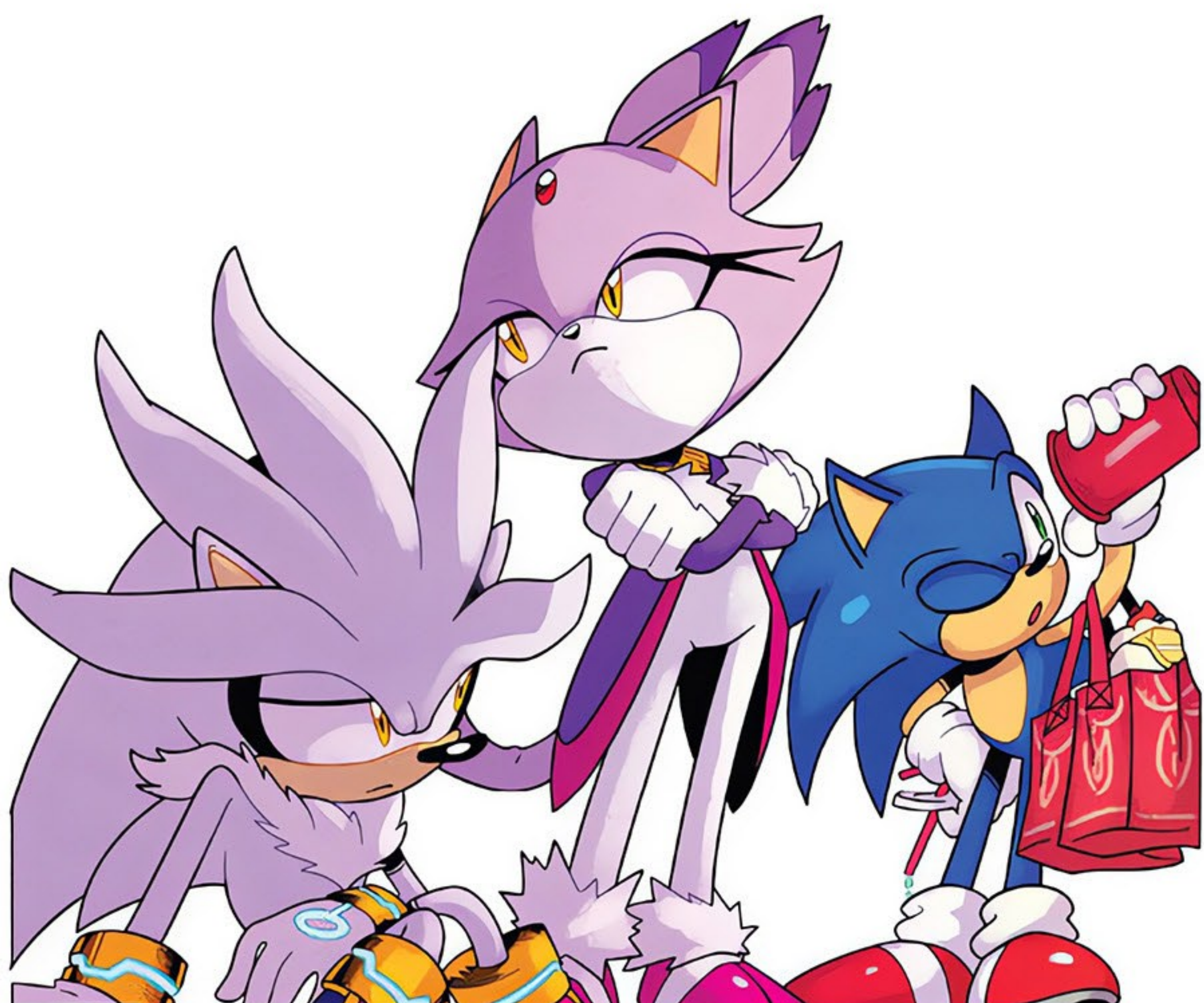


ممنونم، بلیز. تو همیشه می‌دونی
چی بلی تا همه چیز با عقل
هور دربیاد.

تا وقتی که مایل
به شنیدن باشی، منم همیشه
مایل به کمک کردن
هستم.



شما دو تا
زوج عالی‌ای
میشیر.



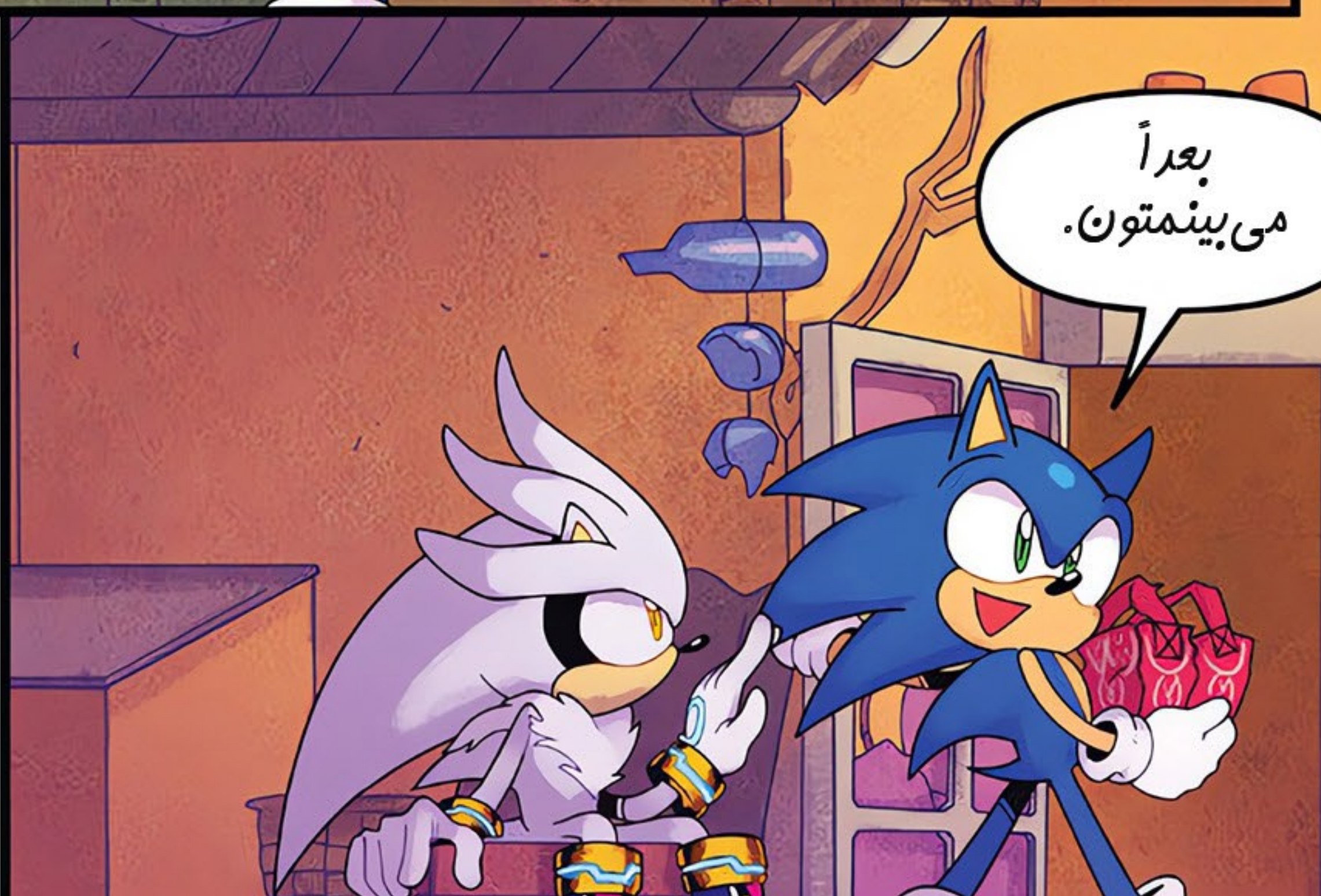
پدی میگم. شما دوتا همیشه انگار تو هماهنگی کامل هستید. شما واقعاً همو کامل می‌کنید به عنوان یه زوج.



همونطوری که من و تیلز کار می‌کنیم. به هم اعتماد می‌کنیم، نقاط کور همدیگه رو پوشش میدیم...



...و مطمئن میشیم که غذا رو فراموش نکنیم. من به اون و ایمی یه پاستا برهلام.



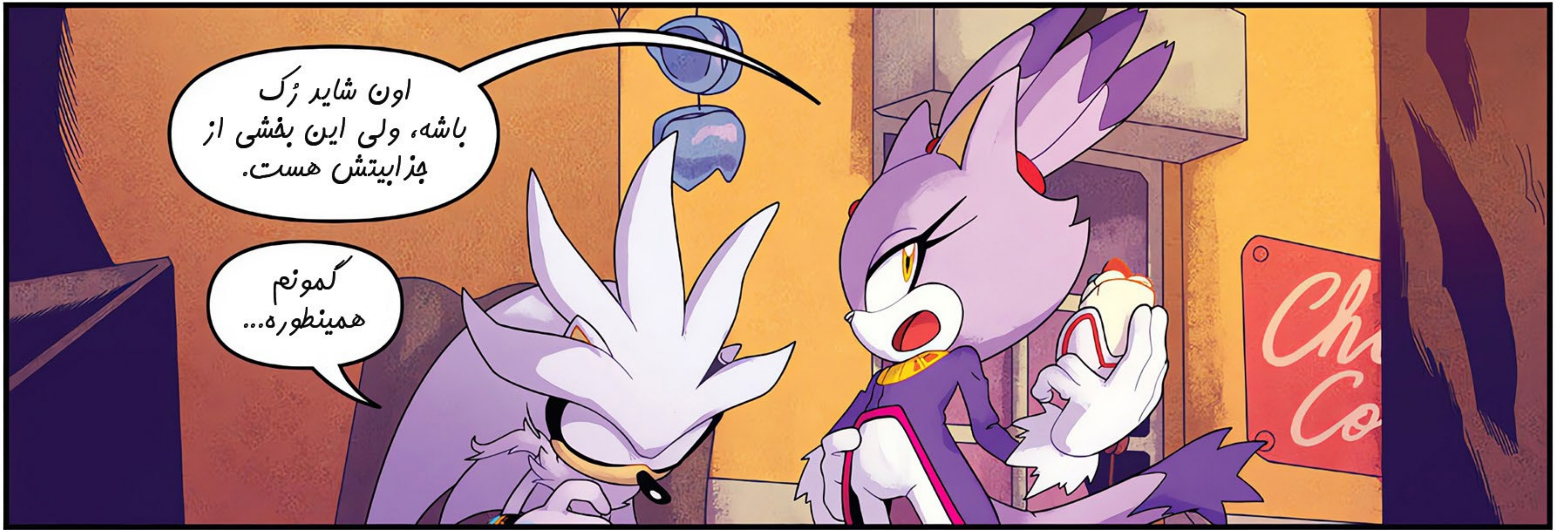
بعداً می‌بینمتون.



روزهایی هست که صادقانه نمی‌دونم اون باحال‌ترین شخص دنیاست یا باید یه ماشین سمتش پرت کنم.



ها!



شاید برای
همینه که انقدر باهم
هماهنگ هستیم. تو
هم مثل مایی.

عذر
می‌خواهم؟

تو شاهدفت
یه امپراطوری بزرگ هستی
و به تنهایی قدرت فیلی
زیادی داری.

هرکدوم از اون
می‌تونست کاری کنه که
غیر صمیمی باشی.

در عوض تو از موقعیت
و قدرتت استفاده می‌کنی تا
از بقیه محافظت کنی. نه
به این خاطر که محبوبی، بلکه
چون می‌خواهی.

به نظرم
الهام بفشه.

وظیفه‌ام
هست، ولی...
ممنونم.

مرغشم
نزن.

سرفه



هاه... این دنیا و زمان یقیناً موجب شلوغایی-مون میشه، اینطور نیست؟



الغ که اینطوره. و تویی که بیرون می رفتی و خیلی از چیزاش رو می دیدی.



هنوز خیلی چیزها مونده که ببینیم و بفهمیم.



نظرت چیه باهم این کار رو کنیم؟

چی؟ همین الان؟

هیچ وقتی بهتر از زمان حال نیست.



این یه چوک
سفر در زمان بود؟
تو الان یه چوک سفر
در زمان گفتی؟!

و آله گفته
باشم چی؟



پس منم
همتا باید همراهت
بیام! من باید چیزهای دیگه ای
که این دنیا بهت انگیزه
میده رو ببینم!

فیلی فب.
بزن بریم!

اول کجا بریم؟

شنیدم یه شهری
هست به اسم "سولیان"
و اینکه این موقع از سال
فیلی زیباست.

به نظرم
که فوبه!
پشت سرت
میام!

قسمت بعد:
سرقت در جزیره فرشته
و ضیافت در خانه
کریم!



طراحی جک لارنس رنگ آمیزی رجا گراهام



طراحی جنیفر هرناندز



طراحی ناتالی فوردرین